

سال اول - شماره هفدهم

۱۷ مرداد ۱۳۹۳
۸ اگوست ۲۰۱۴

سهند

نشریه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران



مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر
کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
داعش در عراق،
ناسیونالیسم قوم پرست در آذربایجان!
و دیگر مطالب...



سخن سردبیر...



با عرض پوزش از وقفه چند هفته ای انتشار نشریه سهند که بدلیل مشغله های سردبیر پیش آمده ، من فراز آزادی مسئولیت انتشار چند شماره از نشریه سهند را بعهدہ گرفتم.

در دنیائی که انسانها هر روزه شاهد کشتار هزاران نفره در تخاصمات بین دو قطب تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی در غزه، وحشت پراکنی و توحش اسلامی داعش در عراق و سوریه، مشاهده قتل و تجاوز و کشتار و قحطی مردم و بویژه کودکان و اعدامهای وحشیانه شهروندان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هستیم ، انتشار نشریه ای برای انعکاس مسائل اجتماعی مربوط به آذربایجان از طرف کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران لازم و ضروری است. امید است که با ادامه انتشار بی وقفه نشریه سهند، بنوبه خود گامی در سمت و سو دادن و رادیکالیزه کردن و تاثیر گذاری و هدایت مبارزات کارگران، زنان ، جوانان و مردم آذربایجان برداریم.

فراز آزادی

۷ آگوست ۲۰۱۴ برابر با ۱۶ مرداد ۹۳

نشریه سهند

سال اول – شماره هفدهم

۱۷ مرداد ۱۳۹۳ – ۱۸ آگوست ۲۰۱۴

سردبیر این شماره: فراز آزادی

صفحه بندی این شماره: فرزام کرباسی

تلفن:

+۴۴۷۹۱۵۱۷۸۲۱۹/+۴۴۷۹۳۰۳۴۵۲۱۰

ایمیل:

farazazadi54@gmail.com

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

نشریه هفتگی کمیته آذربایجان حزب

کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

داعش در عراق،

ناسیونالیسم قوم پرست در آذربایجان!



انقلاب فضای منجمد و راکد در میان مردمی که از وضع حاکم ناراضی اند و هزاران آرزو دارند و اما دست به عمل نمی‌زنند را می‌شکند؛ امید و اعتماد به قدرت خود را در مردم شکل می‌دهد؛ اراده تغییر در مردم را تکان می‌دهد؛ محرک قدرتمندی برای تحرک سیاسی و دست به عمل زدن می‌شود؛ و البته اگر انقلابی حتی در سطح سیاسی پیروز شود امکان پذیری تغییر سیاسی را جلوی چشم مردم در نقاط دیگر جهان می‌گیرد آنچنانکه انقلابات پیروزمند معمولاً با سلسله ای از انقلابات جواب می‌گیرد. همچنانکه انقلابات تونس منشا زنجیره ای از انقلابات و خیزشهای سیاسی دیگر شد.

انقلاب دست می‌برد به نیازها، آرزوها و امیال، روح هم‌نوع دوستی، اشتیاق‌رهایی از وضع حاکم و ساختن زندگی بهتر. اینها همه در میان توده‌های محروم نه فقط در منطقه بلکه در کل جهان که زیر دست و پای نظم حاکم له می‌شوند مشترک است و به همین دلیل انقلابات تأثیراتی گسترده تر، عمیقتر، بنیادی تر و ماندنی تر دارند.

ارتجاع اما دقیقاً به خاطر اهدافش یعنی حفظ وضع موجود و حتی بازگرداندن اوضاع به وضعی به مراتب بدتر، آن نیروهایی را به حرکت در می‌آورد که تماماً در مقابل همین امیال و آرزوها و اشتیاق مردم به تغییر هستند. ارتجاع همیشه دنبال نیروهایی است که از بالاترین ظرفیت تخریب، جنایت، ایجاد رعب و وحشت، ایجاد نفرت و تخاصم در میان توده‌های مردم برخوردارند. ارتجاع محرک نیروهایی می‌شود که بالاترین ظرفیت در مقابله با روح آزادیخواهی و برابری طلبی توده‌های محروم را دارند. چندین دهه است که این نقش مخصوصاً در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به عهده نیروهای قوم پرست و مخصوصاً اسلامی است. با این تصویر کلی، باید گفت که انقلابات تونس و مصر با

فراز آزادی: همانطور که میدانید در دو سه ماه گذشته داعش، بعد از پیشرویهائی که در سوریه با تکیه بر شرایط بحرانی آن کشور داشته است، دستان جنایتکارش را به عراق هم دراز کرده است و تا کنون بخش وسیعی از این کشور را تحت کنترل خودش در آورده و با اعلام خلافت اسلامی عراق و شام نقش مهمی را در اوضاع عراق بازی می‌کند.

مدتی پیش این انقلابات بودند که منطقه را به حرکت در آورده بودند. امروز جریان مخربی مثل داعش سر بلند کرده است و بخشهایی از عراق را تسخیر کرده است. انقلابات منطقه، مردم را امیدوار کردند. سر بلند کردن جریان درنده ای مثل داعش ظاهراً می‌خواهد مردم را از انقلاب نا امید کند. اولین سئوالم این است که پیشرویهای نظامی داعش و شرایطی که در نتیجه این تغییرات در فضای سیاسی منطقه بوجود آمده است، چه تأثیری بر تحرک نیروهای قوم پرست در آذربایجان خواهد داشت؟

محسن ابراهیمی: اجازه بدهید این سئوال مرکب را به اجزاء خود تقسیم کنیم و به پاسخ هر کدام به صورت جداگانه بپردازیم:

آثار زنجیره ای انقلاب و ارتجاع:

در یک سطح تحلیلی کلی تر باید گفت که ارتجاع هم مثل انقلاب تأثیرات زنجیره ای دارد. با این تفاوت که نیروهایی که تحت تأثیر انقلابات به تکان می‌آیند تماماً با نیروهایی که ارتجاع به حرکت در می‌آورد متفاوت و در مقابل هم هستند.

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

همان سطح پیروزیهای اولیه شان امید به رهایی از ارتجاع حاکم در منطقه و حتی در جهان و تغییر در زندگیشان را در دل توده های محروم جامعه بیدار کرد. متقابلاً، به خون کشیده شدن انقلاب در سوریه توسط دار و دسته های اسلامی و قومی سر به قطبهای غرب و اسلام سیاسی، به تحرک در میان نیروهای مشابهی در منطقه منجر شد. نیروهایی که شاخه های مختلف بورژوازی جهانی با تمام قدرت رویشان سرمایه گذاری میکنند تا توازن قدرت در منطقه و جهان را به نفع خود جابجا کنند.

اوضاع سیاسی آذربایجان به مثابه بخشی از جغرافیای سیاسی ایران روشن است که هم از انقلابات و هم از تحرک ارتجاع در منطقه متأثر است. همانقدر که انقلابات منطقه منشا امید مردم به رهایی از وضع حاکم شده است؛ در مقابل تحرک و دست بالا پیدا کردن نیروهای قومی و مذهبی در مقابل انقلاب شکست خورده سوریه قطعاً منشا تحرک در میان همکیشان ایرانی و آذربایجانی آنها خواهد شد.

داعش در عراق و قوم پرستان در آذربایجان:

قوم پرستان با اسلامیون سلفی داعش از دو نظر وجه مشترک دارند:

۱- هر دو از لحاظ ایدئولوژیک مشابه هستند اگر چه بنیاد ایدئولوژیک یکی اسلام است و بنیاد ایدئولوژیک دیگری ناسیونالیسم. تبعیض یک وجه بنیادی در ایدئولوژی هر دو است. یکی مذهب و تعلق مذهبی را مبنای تبعیض قرار میدهد و دیگری ملیت و قومیت انسانها را. همین وجه تشابه ایدئولوژیک، منشا وجه تشابه سیاسی این دو است. وجه تشابهی که هر دو را به یک اندازه به مثابه ابزاری در مقابل انقلابات قابل استفاده میکند.

۲- وجه تشابه سیاسی این دو مهمتر از وجه تشابه ایدئولوژیکشان است:

قبل از توضیح مشخصات سیاسی مشترک میان جریانات

اسلامی مثل داعش و جریانات قوم پرست، لازم است یادآور شوم که جنایاتی که داعش الان در عراق مرتکب میشود قبلاً توسط باندهای قوم پرست در رواندا و یوگسلاوی و دهها نقطه دیگر جهان دقیقاً در خدمت اهداف سیاسی قدرتهای سیاسی منطقه و جهان رخ داده است. کافی است فقط به تاریخ قتل عام به نام قومیت و توسط قوم پرستان در این دو منطقه مراجعه کنید تا ببینید که داعش معادل مذهبی و اسلامی قوم پرستان رواندا و یوگسلاوی است. وجه تشابه باندهای اسلامی با باندهای قوم پرست بیشتر سیاسی است. هر دو ابزار پیشبرد اهداف سیاسی عموماً مشابهی هستند. در شرایط سیاسی کنونی منطقه، اینها مشترکاً نقش ابزار سیاسی در خدمت ضد انقلاب جهانی علیه انقلابات را بازی میکنند. در عین حال، نقش ابزار سیاسی دولتهای منطقه مثل عربستان و جمهوری اسلامی و حامیان جهانیان در جنگ قدرت منطقه ای را بازی میکنند. آن نقشی که امروز بر عهده داعش در سوریه و عراق در خدمت منافع سیاسی دول غرب و منطقه گذاشته شده است، فردا میتواند به عهده باندهای قوم پرست در ایران و آذربایجان و همچنین انواع گنگهای اسلامی نوع داعش گذاشته شود.

این فقط جمهوری اسلامی نیست که روی باندهای قوم پرست و اسلامی، برای به هم ریختن جنبش سرنگونی حساب میکند. این کل بورژوازی جهانی است که روی این نیروها در مقابل جبهه وسیع مردم آزادیخواه و برابری طلب، مردم خواهان سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی حساب میکنند.

فراز آزادی: حرکات داعش در اوضاع عراق در ادامه اعمال سیاستهای امریکا در عراق و از هم پاشیدن شیرازه جامعه و روی کارآوردن دولت موزائیکی مالکی (متکی بر مذاهب و قومیتها) صورت گرفته و میتوان گفت که داعش بدون چنین زمینه و فضائی امکان بوجود آمدن و چنین تحرکی را

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

نداشت.

به نظر شما با توجه به برخی تحركات جریانات ناسیونالیستی در فضای سیاسی آذربایجان در سالهای گذشته، مردمی که شاهد چنین سناریوئی در عراق هستند، تا چه حدی در موضع گیری سیاسی شان در برابر ناسیونالیستها روشنتر و آماده تر عمل خواهند کرد؟ و یا روشنتر بگویم، وضعیت پیش آمده فعلی در عراق تا چه میزانی دست ناسیونالیستها را رو کرده و ماهیتشان را به مردم روشنتر کرده و خواهد کرد؟

محسن ابراهیمی: از نظر مردم، توحش داعش در نگاه اول بیشتر نمونه تازه ای از توحش اسلامی است. داعش قاعدتا باید قبل از هر چیز تنفر مردم از اسلام و حکومت اسلامی و جریانات اسلامی را بیشتر کند. مردمی که قبلا طالبان سنی در افغانستان و حکومت اسلامی شیعی در ایران را دیده اند، امروز با دیدن داعش سنی در عراق بیشتر به ماهیت خونین همه فرقه ها و باندهای اسلامی پی میبرند. اما از نظر کسانی که شاهد زنده قتل عام در رواندا و ابعاد درندگی قوم پرستان در یوگسلاوی سابق و همین بیخ گوش خودمان سبعیت ناسیونالیسم ارمنی و ترک در قاراباغ بوده اند تصور این نباید سخت باشد که جریانات ناسیونالیست قوم پرست از نوع آریایی اش گرفته تا نوع گرگهای خاکستری در ظرفیت خونریزی و تخریب و تباهی زندگی مردم دست کمی از جریانات اسلامی و داعش ندارند. تنها تفاوتشان این است که جریانات اسلامی زیر پرچم لا اله الا الله سر میبرند و اینها اگر دستشان برسد زیر پرچم مثلا گرگ خاکستری آدمکشی راه خواهند انداخت.

این وظیفه ما فعالین صف آزادیخواهی و برابری طلبی، وظیفه ما حزب کمونیست کارگری و کمیته آذربایجان حزب است که مشخصات مشترک داعش و جریانات قومی را جلوی چشم مردم بگیریم و نقش مخربشان در مقابل مبارزه مردم برای رهایی از تبعیض و نابرابری و خشونت و جنایت اسلامی را برملا کنیم. این وظیفه ماست که روشن کنیم آنهايي که امروز کودک افغانستاني را از حق تحصیل

در ایران محروم میکنند؛ آنهايي که جرئت میکنند ورود افغانیها به مراکز شهری را ممنوع اعلام کنند؛ آنهايي که در اپوزیسیون قوم پرست یا از این فاشیسم رسمی حکومت اسلامی دفاع میکنند و یا حتی در مقابلش سکوت میکنند؛ آنهايي که جنبش اخراج کردها از آذربایجان! راه میاندازند؛ آنهايي که در میان مردم ترک زبان نفرت علیه فارس زبانها را تبلیغ میکنند، همکیشان و هموعان داعش هستند.

فراز آزادی: در یک سطح کلی تر، تحرک ارتجاع اسلامی در عراق چه تاثیراتی بر روحیات و افکار سیاسی مردم ایران و مشخصا مردم آذربایجان داشته و خواهد داشت؟ لازم به یادآوری است که در دانشگاه تبریز نیز یک آکسیون اعتراضی در محکومیت تعرضات داعش داشتیم که در نوع خود در جنبش دانشجویی ایران حرکتی متمایز بود و نظیرش را در هیچ دانشگاهی شاهد نبودیم.

محسن ابراهیمی: تا آنجاییکه به افکار سیاسی مردم مربوط است، باید روی دو وجه تاکید گذاشت:

اول اینکه، مردم ایران که حاکمیت داعش های شیعه را در قالب حکومت اسلامی با پوست و گوشت احساس کرده اند با دیدن توحش داعش سنی در عراق بیشتر پی میبرند که جریانات اسلامی از هر فرقه ای که باشند در توحش و درندگی دست همدیگر را از پشت می بندند. جنایات داعش در سوریه و عراق در وهله اول و بلافاصله بیزاری از اسلام و اسلامیون و جریانات اسلامی را در میان مردم منطقه و حتی جهان گسترده تر و عمیقتر کرده است و خواهد کرد. مشخصا در ایران، مردم را در مقابل باندهای تروریست سلفی سنی در بلوچستان و بخشهایی از کردستان که ظاهرا در کشمکش با جمهوری اسلامی هم هستند هشیارتر میکند.

اما وجه دیگری از این سؤال مهمتر است. آن وجهی که جمهوری اسلامی - یعنی همان داعش ایران - رویش حساب میکند. داعش در عصر اینترنت و پیش چشم مردم

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

را به هر آینده مبهمی ترجیح دهند. برای این بخش مهم نیست که این امنیت از قبل سلب امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از بخش اعظم مردم، کارگران، نسل جوان، زنان و همه کسانی که اقتصاد و سیاست و فرهنگ حاکم را قبول ندارند - یعنی اکثریت مردم - تامین شده است. برای این بخش حیاتی تر از همه چیز، تامین امنیت برای ادامه چپاول اقتصادیشان است. اگر داعش حاکم در ایران این شرایط را فراهم کند، اینها شب با خیال راحت سر بر بالین میگذارند! نه تنها این بلکه داعش در عراق را جلوی چشم مردم میگیرند تا داعش دولتی در ایران به حیاتش ادامه دهد.

۲- اما طرف کشمکش حکومت اسلامی طیف وسیعتری در جامعه است. اکثریت عظیم مردم است. کارگران هستند که بخش اعظمشان یا همین امروز گرسنه اند و یا در لبه یک مغاک وحشتناک اقتصادی قرار دارند. زنان هستند که حکومت اسلامی برای تثبیت خود رفتاری را با آنها کرده است که داعش باید در مکتبش درس بیاموزد. جوانان هستند که ایران را به چالشگاه بزرگی علیه همه شریعت و اخلاقیات و خرافات اسلامی بدل کرده اند! و این اکثریت بزرگ جامعه است که در کمین فرجه ای مناسب هستند تا قیام ۸۸ را این بار در ابعادی عظیمتر و تعرضی تر تکرار کنند. اگر فرجه ای شبیه ۸۸ فراهم شود، بعید است که این طیف عظیم با محاسبات سیاسی و چرتکه انداختن در باره احتمال عروج خطری شبیه داعش در آینده از عزم سرنگونی کوتاه بیایند. انقلابی که بتواند از عهده داعش ایران بر بیاید میتواند حتی زمینه را برای جارو کردن داعش عراق را هم فراهم کند.

احزاب سیاسی ممکن است محاسبه کنند. انقلاب اما اگر محاسبه کند و چرتکه بیاندازد راه نمی افتد. انقلاب راه میافتد چون وضع حاکم راهی در مقابل مردم نمی گذارد. به همین خاطر انقلاب هرگز از راه رسیدنش را خبر نمیکند.

جهان قتل عام میکند؛ جمهوری اسلامی اما طلوع خونین اش را با قتل عام در زندانها و دور از چشم مردم جهان آغاز کرد. سران جمهوری اسلامی که سه دهه جلوتر از داعش اعدام و سنگسار و تجاوز و قطع دست و پا راه انداخته اند، امروز با کمال بیشرمی در مقابل انظار جهانیان قیافه متعجب از توحش داعش به خود گرفته اند! جمهوری اسلامی روی این حساب میکند که چهره خونین داعش را به مردم نشان دهد تا بلکه بتواند چهره خونین تر خودش را پنهان کند. جمهوری اسلامی با نشان دادن این جانور درنده به مردم، میخواهد درندگی خودش را قابل قبولتر کند و مردم متنفر از وجود نحسش را از فکر تغییر دور کند و نسبت به اقدام به تغییر دست به عصا کند.

به نظرم در این مورد فاکتورهای متعددی در کنار هم، به موازات هم، در تضاد و تقابل باهم در شکل دادن به روحیه سیاسی مردم تاثیر میگذارند که موضوع را خیلی پیچیده تر از یک حالت سیاه و سفید میکند. لازم است در این مورد روی حداقل دو جنبه تاکید کنیم:

۱- قبل از هر چیز باید گفت که ایران یک جامعه طبقاتی سرمایه داری تحت سلطه یک حکومت مذهبی است. جامعه ای که در آن در حال حاضر یک کشمکش طبقاتی، اجتماعی و فرهنگی گسترده در جریان است. در ایران، این جامعه سرشار از تنشهای اقتصادی، طبقاتی، فرهنگی، بی تردید آن اقلیتی از جامعه که در سایه امنیت جمهوری اسلامی به مثابه یک دولت فیض اقتصادی می برند و دستگاه سرکوب حکومتی را حافظ منافع خود میدانند در قبال هر تغییری که این امنیت را خدشه دار کند محافظه کارتر میشوند. منظورم اینجا هزار فامیل اسلامی و آقازاده ها نیست. آنها خود بخشی از حکومت هستند. منظورم طیفی وسیعتر از اقلیت دارا هستند که در سفره چپاولی که سرمایه داری اسلامی پهن کرده است شریک شده اند. این طیف حتی اگر حکومت اسلامی را یک حاکمیت مطلوب خود هم ندانند هنوز ممکن است چسبیدن به وضع موجود

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

چنین لکه ننگ بشریت را از تاریخ سیاسی جهان پاک کرده اند. دنیایی که در آن هیچ انسانی به هیچ بهانه ای و با هیچ نامی از جمله تعلقات مذهبی و قومی از هیچ حقی محروم نباشند.

برای رسیدن به این هدف بنیادی، ما تلاش خواهیم کرد آن صفی در جنبش سرنگونی تقویت شود که نماینده حق برابر همه آحاد جامعه برای زندگی انسانی است. این صف در آذربایجان هم مثل همه ایران وسیع است. اکثریت مردم آذربایجان مثل همه ایران به این صف تعلق دارند. یک سر این صف در میان نیروی عظیم کارگران است که هیچگونه همخوانی با مالیخولیایی به نام قوم پرستی ندارند و سر دیگرش در میان زنان و جوانانی است اگر نبرد دائمیشان برای خلاصی فرهنگی نبود، جمهوری اسلامی دست طالبان و داعش را از پشت میبست.

یک وجه فعالیت ما برای تقویت این صف، مقابله سیاسی با تحرک قوم پرستان است. اینها فرقه هایی هستند که جمهوری اسلامی با اشتیاق تمام در صدد تقویتشان است تا در صف گسترده و متحد جنبش سرنگونی ترک بیاندازند. اینها نیروی ذخیره برای روزهای سخت جمهوری اسلامی در آینده هستند. اینها اگر فضا برایشان فراهم شود نقش داعش در آذربایجان را بازی خواهند کرد. فقط کافی است به فیس بوک جنبش اخراج کردها از آذربایجان نگاهی بیاندازید تا ببینید که ناسیونالیسم ترک در آذربایجان در عقب ماندگی و آدمکشی و ارتجاع دست کمی از داعش در عراق ندارد.

جای خوشحالی است که زمینه برای منزوی تر کردن قوم پرستان در آذربایجان، زمینه برای ممانعت از دست درازی تخریبی اینها به صف آزادی و برابری بسیار فراهم است. ایران به یمن نکبت اسلامی حاکم، به جامعه ای تبدیل شده است که در آن حکومت چوبه دار برپا میکند و مادران طناب دار از گردن محکومین باز میکنند؛ حکومت حجاب تحمیل میکند و زنان با این پرچم منحوس کاری میکنند

هر گز منتظر محاسبات احزاب سیاسی نمی ماند. احزاب سیاسی انقلابی حتی اگر بخواهند نمیتوانند وقوع انقلاب را با نشان دادن شبیح قوم پرستان و فرقه های اسلامی به تاخیر بیاندازند. انقلاب راه میافتد حتی اگر نتواند همه جوانب آینده را ترسیم کند. اینجاست که نقش یک حزب انقلابی برجسته میشود. این به عهده حزب انقلاب است که با دخالت فعالتر در انقلاب، با اعمال رهبری انقلاب، به فرجام رسیدن هر چه سریعتر، پیروزی هر چه سریعتر را تضمین کند و همه دریچه ها را برای تحرک داعشهای اسلامی و قومی در مسیر انقلاب ببندد.

فراز آزادی: به نظر شما وظیفه احزاب چپ و کمونیست، نظیر حزب ما، در شرایط امروز سیاسی در آذربایجان در برابر فضای سیاه بربریتی که جریانات اسلامی و مشخصا داعش در منطقه نمایندگی میکنند، چیست؟ ما چه نقش سیاسی میتوانیم در این اوضاع ایفا کنیم؟

محسن ابراهیمی: وظیفه بلافاصله حزب ما مبارزه برای سرنگونی داعش حاکم در ایران یعنی جمهوری اسلامی، فراهم کردن شرایط برای اعمال اراده مستقیم توده های وسیع مردم و نهایتا رها کردن جامعه از نظام سراپا گندیده سرمایه داری است که امثال داعش از محصولات تبعی آن است. روشن است که وظیفه بلافاصله کمیته آذربایجان هم پیشبرد این امر مهم در آذربایجان است.

ما فقط سرنگونی طلب نیستیم. ما میخواهیم روی عمارت ویران شده سرمایه داری اسلامی دنیایی بهتر، دنیایی انسان محور بسازیم. میخواهیم دنیایی بسازیم که همه آحاد انسانی که در آن زندگی میکنند از حق برابر در قبال رفاه و آسایش و امنیت و آزادی برخوردار باشند. میخواهیم دنیایی بسازیم که در آن هر نوع خرافه - چه نوع مذهبی و چه نوع ملی و قومی - به مثابه آثاری از عصر بربریت به گذشته تعلق داشته باشند. دنیایی که شهروندانش افتخار کنند که

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

میدانیم که جنبش سرنگونی فراتر از احزاب سرنگونی خواه است. میدانیم که احزاب سرنگونی طلب طیفی از راست و چپ را در بر میگیرند. و همچنین روشن است که هر کدام از این احزاب سیاسی تلاش میکنند در جنبش سرنگونی و به تبع آن در تعیین سیمای اقتصاد و سیاسی دنیای بعد از جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده تری ایفا کنند.

به نظر من هر چقدر نیروهای راست بتوانند چه در جریان سرنگونی و چه بعد از آن نقش بیشتری ایفا کنند همانقدر امکان دسیسه‌گری، مماشات و بند و بست با انواع و اقسام نیروهای ضد جامعه و ضد مدنیت با هدف ممانعت از پیشروی انقلاب مردم بیشتر میشود؛ همانقدر پیرو سرنگونی میتواند کشارتر شود و همانقدر پیروزی قطعی و به فرجام رسیدن انقلاب میتواند به تاخیر بیافتد. چنین شرایطی میتواند دریچه لجنزار قومی و مذهبی را به روی جامعه باز کند؛ میتواند دست قدرتهای جهانی را برای تخریب انقلاب ایران بازتر کند. (راست مشتمل بر همه آن نیروهایی است که میخواهند مردم را به خانه برگردانند و بهره‌کشی قدیم را در قالب جدید سازمان دهند؛ که از قدرت‌گیری کارگر، از نقش مستقیم مردم در قدرت میترسند. این نیروها نه تنها خود با صراحت و شفافیت تمام با هویت پرستی مذهبی و قومی مرزبندی نکرده اند بلکه برای در هم شکستن انقلاب حتی حاضر خواهند شد زیر بالشان را بگیرند تا به انقلاب خون و لجن بپاشند!)

جنبش سرنگونی و انقلاب مردم اما میتواند به سمتی برود که مردم به خاطرش به پاخاسته‌اند. این در صورتی ممکن است که اولاً سرنگونی به یک پروسه کشار تبدیل نشود و انقلاب برق آسا حکومت را سرنگون کند و همین مردم در انقلاب و قدرت سیاسی محصول آن نمایندگی شوند؛ در تعیین سیمای اقتصادی و سیاسی بعد از انقلاب نقش تعیین کننده داشته باشند. و این در صورتی ممکن است که همه آن نیروهای اجتماعی که برای یک دنیای انسانی مبارزه میکنند - و اینها نیروی اصلی جنبش سرنگونی

که آیت الله غرق ماتم میشوند؛ حکومت شلاق برای تحمیل اخلاقیات اسلامی میچرخاند، جوانان به همه اخلاقیات گند اسلامی پشت میکنند. ایران جامعه ای رها از خرافه است دقیقاً به این دلیل که خرافه پرستان حاکمند. ایران جامعه کارگرانی است که با پرچم معیشت، منزلت حق مسلم ماست به خزعبلات ناسیونالیسم قوم پرست ریشخند میزنند. در ایران، این جنبش علیه اعدام، جنبش برای حقوق کودک، جنبش برای حفظ محیط زیست، جنبش علیه حجاب، جنبش برای خلاصی فرهنگی از اخلاقیات اسلامی و بالاخره جنبش کارگر برای معیشت و منزلت روند سیاسی را تعیین میکند و خواهد کرد. تقلا برای اثبات برتری این یا آن قوم برای این جنبشها بیشتر مایه تمسخر است.

در چنین شرایطی، قوم پرستان صدمبار بیشتر از داعش در عراق، فاقد بنیاد و پایه اجتماعی و فضای سیاسی هستند. قدرت اینها در جامعه نیست و به این دلیل در روند عادی کشمکش که میان مردم و حکومت در جریان است اینها نیرو نیستند و نمیتوانند نیرو باشند.

قدرت اینها در پایین نیست. قدرت اینها در بالا هست. همانگونه که قدرت داعش نه در میان مردم بلکه در زیر عبا شیوخ عربستان است. اینها فقط و فقط زمانی میتوانند فضا برای تحرک پیدا کنند و نقش مخرب ایفا کنند که مردم به حکومت اسلامی تعرض کنند اما کارش را یکسره نکنند. حکومت را به زیر بکشند اما قدرت خود را فوراً و مستقیماً اعمال نکنند. اینها فقط در اوضاع سیاسی معلق و آویزان میتوانند جست و خیز کنند.

اما آیا در این تصویر تناقضی وجود ندارد؟ همین که جنبشی بتواند حکومتی را سرنگون کند عملاً به معنای این نیست که همان جنبش حکومت خود را هم میتواند شکل دهد؟

اینجاست که نقش تحزب سیاسی عموماً و حزب کمونیست کارگری مشخصاً برجسته میشود. چرا؟

مصاحبه با محسن ابراهیمی، دبیر کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

انسانها از گنداب سرمایه داری، از توحش اسلامی و قومی است تقویت شود. این مستلزم قدرتمندتر کردن صف این حزب توسط همه انسانهای شریفی است که با چشم انسانی و برابر به همه انسانها، به زن و مرد، به کودک و جوان و پیر، به کودکی که نام کرد و عرب و بلوچ و فارس و ترک و غیره رویش گذاشته اند نگاه میکند.

نقش کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری، تلاش برای پیش بردن این وظایف و تحقق این شرایط در آذربایجان است. ما با تمام توان تلاش خواهیم کرد میدان برای تحرک فرقه های اسلامی و قوم پرست و هر باند و فرقه ضد مدنیت در آذربایجان در مقابل جنبش سرنگونی مردم، در مقابل انقلاب آتی تنگتر و تنگتر شود. تلاش خواهیم کرد انقلاب مردم همراه نظم کهنه همه نیروهای ضد جامعه را جارو کند. *

تورنتو، ۷ اگوست ۲۰۱۴، ۱۶ مرداد ۱۳۹۳

هستند - متحدتر و متشکلاتر در صحنه سیاسی ظاهر شوند؛ وزن سیاسی طبقه کارگر و مخصوصا گرایشات رادیکال و چپ آن در رهبری سیاسی جنبش سرنگونی بالا باشد؛ نیروهای کمونیسم کارگری، همه آن نیروهایی که پرچمشان بازگرداندن اختیار به انسان است متحدتر ظاهر شوند؛ حزب کمونیست کارگری به عنوان شاخص ترین نیروی این صف، آماده تر و قدرتمندتر در تعیین مسیر جنبش سرنگونی و پیشروی و پیروزی انقلاب ظاهر شود. ما میتوانیم حکومت اسلامی را سرنگون کنیم و همراه آن عرصه را به همه نیروهای اسلامی و قومی ضد جامعه، ضد مدنیت، ضد انسان، ضد سعادت و خوشبختی مردم تنگ کنیم. ما میتوانیم حکومت اسلامی را سرنگون کنیم و اجازه ندهیم فردای سرنگونی جمهوری اسلامی این جریانات خللی در سازمان دادن یک جامعه انسانی بوجود بیاورند. این تنها زمانی ممکن است که صف عدالت و آزادی و برابری، صف کمونیسم آزادیخواه و برابری طلب، صف حزب کمونیست کارگری، حزبی که محور فعالیتش رهایی همه

فراز آزادی بخش پنجم: رهنمود های عملی برای فعالین جنبش اعتراضی دفاع از محیط زیست سالم!

صورت گیرد! نگاهی به رسانه های رژیم این مهم را اثبات میکند که این نکته تا چه حدی برای اینها حیاتی است و مثل سگ از اعتراضات هدایت شده و یا خودجوش مردم درهراس اند.

روزنامه آراز آذربایجان (روزنامه منتشره در آذربایجان غربی) در تاریخ ۱۴ تیرماه در صفحه ویژه دریاچه ارومیه عناوینی بشرح زیر را درج کرده است که به عنوان گوشه ای از تلاشهای رسانه ای این حضرات در اینجا میاورم:

: معاون عمرانی استاندار آذربایجان غربی اعلام کرد

اجرای ۲۴ مصوبه برای احیای دریاچه ارومیه

گروه خبر: معاون عمرانی استاندار آذربایجان غربی گفت: ۲۴ مصوبه احیای دریاچه ارومیه بعد از بررسی ۶ ماهه توسط کارگروه احیای دریاچه ارومیه جمع بندی شده و با دستور رئیس جمهور عملیات اجرایی احیای این دریاچه آغاز شد.

گروه خبر: معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت نیرو در مورد

۱- با توجه به قسمتهای قبلی این مجموعه نوشته های کوتاه به این نتیجه رسیدیم که باید برای دفاع از محیط زیست سالم دست به اقدامات عملی زد. دشمن محیط زیست سالم در ایران، یعنی رژیم جمهوری اسلامی، خود بخوبی میداند که مردم ساکت نیستند و نخواهند نشست و برای همین مسئولین اش را بخط میکند تا به مردم بفهماند که ما میدانیم که مشکل وجود دارد، ولی خودتان نباید اقدامی بکنید، این حرکت عبور از خط قرمز است! به میدان آمدن مردم به خیابان و اعتراض خیابانی دهها هزاران نفره یعنی بزیر سوال رفتن حاکمیت نظام! رئیس جمهور اش در مبارزه انتخاباتی از آشفته بازار فکری نابودی دریاچه استفاده میکند و وعده سر خرمن به مردم میدهد و از احساسات مردم برای جمع آوری رای سو استفاده میکند و مسئولین رنگ و وارنگ رژیم در استانهای آذربایجان شرقی و غربی هم بخط میشوند تا در بوق و کرنا بدمند که یا ایهناس! ما بفکر نجات دریاچه هستیم، فقط خودتان هیچ کاری نکنید تا کارهای قانونی ما

بخش پنجم: رهنمود های عملی برای فعالین جنبش اعتراضی دفاع از محیط زیست سالم!

دریاچه ارومیه در شهر های مختلف آذربایجان. این جمع ها میتواند در همه محیطهای کار، محلات، دانشگاهها تشکیل شود.

۲- اقدام به جمع آوری طومار های اعتراضی توسط این جمع ها برای تحت فشار قراردادن مسئولین رژیم در شهرها از جمله فرمانداریها، استانداریها و ادارت ذیربط. مردم زیادی در آذربایجان هستند که به موضوع محیط زیست توجه دارند، حساس هستند و خواهان دخالت در این زمینه اند. خود روزنامه ها و رسانه های رژیم برای اینکار بهترین توجیه را میدهد. وقتی مسئولین در رسانه ها به اشکال مختلف و مانند آنچه در بالا آوردم، از این موضوع صحبت میکنند، پیگیری خود همین وعده ها میتواند برای این جمع ها یک شروع خوبی باشد و در ادامه به فراخوانها و تجمعات اعتراضی خیابانی بیانجامد.

۳- دادن فراخوان های عمومی بنام جمع های مدافع محیط زیست در شهرهای مختلف. این فراخوانها میتواند با ادبیاتی کاملا ساده و حساب شده نوشته شده و در سطح شهرها پخش شود.

این فراخوانها نقش مهمی در شکل دهی افکار عمومی در توجه عموم به محیط زیست سالم و دفاع از این مهم را میتواند ایفا کند.

۴- اعلام این اقدامات در فضاهای مجازی مانند فیس بوک و تویتر و یوتیوب و سایتی که هم اکنون بوفور در این زمینه ها فعال هستند. استفاده از این امکانات با توجه به استفاده عموم از آن میتواند در گسترش سریع تشکیل این جمع ها کمک کند.

در پایان این نوشته از همه فعالین جنبش دفاع از محیط زیست سالم میخواهم که هر نقدی به این نوشته های کوتاه دارند، از طریق ای میل، نشریه سهند و صفحه فیس بوک کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران و همینطور وبلاگ این کمیته بدست من برسانند. قطعا خوشحال خواهم شد که از نقد ها و نکته نظرات فعالین استفاده کنم تا این جنبش را در پیشرویهایش علیه وضع موجود یاری رسانیم.

ای میل آدرس و آدرسها:

farazazadi54@gmail.com

https://www.facebook.com/sahandkomiteazarbaijan

http://sahandpublication.wordpress.com/

فراز آزادی - ۵ جولای ۲۰۱۴

وضعیت دریاچه ارومیه گفت: مشکل دریاچه ارومیه به این راحتی حل نمی شود؛

گروه خبر: رئیس مجمع نمایندگان شمالغرب کشور گفت: ابلاغیه دکتر روحانی، نفس تازه ای به کالبد دریاچه ارومیه دمید و با این ابلاغیه و گام بلند دولت تدبیر و امید، روند احیای دریاچه ارومیه شتاب بیشتری می گیرد. علی اکبر آقایی در گفت و گو با ایرنا افزود: فراخواندن اعضای کمیته ویژه نجات دریاچه ارومیه به تلاش مجدانه حکایت از نگرانی دکتر روحانی ...

گروه خبر: نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی گفت: برای نجات دریاچه ارومیه از مرگ حتمی به اقدامی جدی، فوری و سریع تر نیازمند هستیم. نادر قاضی پور در گفت و گو اختصاصی افزود: امروز باید از زمان نهایت استفاده را بکنیم و با سرعت تمام و ارائه بهترین راه حلها جلوی مرگ دریاچه ارومیه را بگیریم. وی اظهار کرد: بیماری دریاچه ارومیه شدت گرفته ...

این صحبتها نشاندهنده ترس و واژه رژیم از ادامه اعتراضات مردم است و همین ما را به این مهم میرساند که باید خود، دست بکار شویم و در ادامه اعتراضات اجتماعی مان تلاش و مبارزه را برای به عقب نشینی وادار کردن رژیم، در جهت تامین شرایطی که بتواند محیط زیست سالمی را برای مردم آذربایجان تضمین کند، قدم برداریم. من بنوبه خودم و با توجه به اینکه سالها در جامعه ایران درگیر مبارزه و تلاش اجتماعی برای دفاع از زندگی میلیونها انسان در عرصه های مختلف بودم، به عملی بودن رهنمودهای زیر برای فعالین اعتراضی جنبش دفاع از محیط زیست اطمینان دارم. بنابراین از همه فعالین این عرصه مهم مبارزه میخواهم که به آن توجه کرده و تلاش کنند که در محل زیست و کار و تحصیل خود این اقدامات را عملی کنند تا با اتکا به توده های مردم بتوانیم، پایه گذار جنبشی وسیع و اجتماعی دهها و صدها هزار نفره در شهر های مختلف آذربایجان باشیم. بازهم اینجا تاکید میکنم که دلیل اهمیت موضوع و اینکه خود مقامات رژیم به این مهم اذعان دارند، این اقدامات نمیتواند امنیتی تلقی شود، ولی ما میدانیم که رژیم برای جلوگیری از تلاشها و مبارزه مستقیم مردم، همیشه به این بهانه (امنیتی بودن موضوع) جلو هر گونه حرکتی را میگیرد، ولی نباید در این راه هراسی بخود راه دهیم. نمونه این تلاشها، اعتراض دانشجویان مراغه بودند که بدون ترس از دستگیری اقدام کردند و رئیس دانشگاه را هم وادار به عکس العمل کردند و هیچ اتفاقی نیفتاد. میشود اقدام کرد و نهراسید. ولی در عین حال میدانیم و قبول داریم که برای هر کاری باید از جایی شروع کرد و پیش رفت. و اما رؤس اقدامات فوری و عاجل:

۱- تشکیل جمع های مدافع محیط زیست و مشخصا برای نجات

از لابه لای اخبار

محمد شکوهی



اشتغال اجباری زندانیان در مزارع کشت و صنعت مغان!

تانکر آب برای ۸۰ روستا در نظر گرفته شده است. آب مردم را قطع کرده اند و به مصرف باندها و اراذل و اوباش رژیم که در بخش کشاورزی و کشت مشغول چپا وول و غارت دار و ندار مردم هستند، میدهند.

در یک اقدام دیگر مسئولان محلی میگویند قنات های آب در حال خشک شدن بوده وبخشا آبشان هدر میرود و نیاز به مرمت و بازسازی دارند. البته این جانیان این را هم تاکید میکنند که کلا خشک سالی عامل کم آبی می باشد! برای توجیه دزدیدن آب مردم خشک سالی را مطرح می کنند. این در حالی است که همین باندها مدام از افزایش بارآوری و تولیدات محصولات سخن گفته و آمار و ارقام میدهند. سوال این است در همین منطقه که کمبود آب وجود دارد، چطور این همه افزایش محصولات کشاورزی که در دست شرکتهای جهاد کشاورزی رژیم است، بالا رفته است. حکومت و مقامات محلی، باندها و دار و دسته های مافیای حکومتی هستند که هست و نیست مردم را غارت کرده اند. الان نوبت آب رسیده است. مردم ارشق و ۸۰ روستای نامبرده در این منطقه در برابر این بهانه ها و عدم مسئولیت گرفتن های حکومت برای تامین آب آشامیدنی نباید ساکت نشستند و نظارگر این وضعیت بشوند. باید دست به اعتراض و مبارزه بر علیه حکومت و باندهای آب دزدش در منطقه دست زد. این حق طبیعی این مردم است که از آب آشامیدنی سالم و به اندازه کافی برخوردار باشند.

مقامات محلی شهرستان پارس آباد در مغان اقدام به اشتغال زندانیان در مزارع کشت و صنعت مغان کرده اند. بر اساس اخبار بیش از ۳۰۰ نفر از محکومان زندان را وادار به کار در مزارع کرده و از آن به عنوان گذرانیدن دوران محکومیت اسم برده اند. در این میان کشت و صنعت مغان رسماً با مسئولان زندان قرارداد بسته است. توجیهات رژیم برای این کار بهانه وقت برداشت محصول واعلام و کمبود نیروی کار اعلام شده است. این توجیهات حکومت یک وقاحت و بی شرمی می باشد. در حالیکه هزاران نفر در این منطقه بیکار بوده و جویای کار میباشند، رژیم دست به اشتغال اجباری زندانیان زده است. البته پر واضح است که این زندانیان ناچار هستند کار بکنند، دستمزدی دریافت نمی کنند، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتی ندارند و از هر نظر برای رژیم منبع سود و درآمد می باشند.

۸۰ روستای ارشق اردبیل آب خوردن ندارند!

مقامات محلی رژیم در بخش ارشق شهرستان اردبیل اعلام کرده اند که بیش از ۸۰ روستا با مشکل کم آبی مواجه می باشند. به گفته بخشدار ارشق: از ۸۵ روستای این منطقه ۸۰ روستا آب خوردن ندارد و کمبود آب حتی در روستاهای بزرگ و پرجمعیت نیز قابل مشاهده است. وی تاکید کرده که آبرسانی حتی با تانکر نیز به روستاها مقدور نیست و وقتی فقط یک تانکر به ۸۵ روستا اختصاص یابد نباید انتظار معجزه داشت کم آبی ۸۰ روستای ارشق در کنار سد سبلان! جالب است سد پر از آب است. مردم روستاها آب خوردن ندارند و مقام حکومتی بی شرمانه میگوید فقط یک

از لابه لای اخبار

دستگیری ۷۵ نفر به اتهام بدپوش، روزه خواری و... در بناب!

در هفته آخر رمضان نیروی انتظامی شهرستان بناب طرح ارتقاء امنیت اجتماعی را به اجرا گذاشته و ۷۵ نفر را دستگیر کرده است. اتهام این ۷۵ نفر مزاحم نوامیس مردم، افراد بدپوشش و کسانی که در ملاء عام اقدام به روزه خواری می کردند، اعلام شده است. سرکوبگران حکومت برای مقابله با دختران و جوانان که هر روزه قوانین ارتجاعی حکومت را زیر پا میگذارند، دست به این دستگیریها زده اند. در این میان روزه خواری و پوشش لباس های خلاف میل و دستورات حکومت توسط جوانان ادامه دارد. همه دستگیرشدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند.

حکومت و بازسازی مناطق زلزله زده آذربایجان!

در تازه ترین سخنان مقامات محلی جمهوری اسلامی در استان آذربایجان شرقی در باره بازسازی مناطق زلزله زده، دوهفته پیش فرماندار رژیم از اهر اعلام کرد: مردم برای بازسازی خانه های ویران شده شان در زلزله سال ۹۱ نیاز به وام مکمل دارند.

با گذشت نزدیک به دو سال از زلزله آذربایجان خانه های مردم در این مناطق هنوز بازسازی کامل نشده است. رضا صدیقی فرماندار اهر که برای افتتاح هشت مسجد رژیم به منطقه سفر کرده، ضمن تأیید مشکلات بازسازی واحد های مسکونی زلزله زده اعتراف کرده است که مردم برای بازسازی ۱۵۰۰ واحد مسکونی نیاز به وام مکمل دارند.

جالب است. در این دو سال گذشته حکومت دزدان و قاتلان مدام اندر باب پیشرفت بازسازی مناطق زلزله زده آذربایجان سخن گفته و ادعا کرده اند همه ویرانی های زلزله بازسازی شده است. دو سال پیش اعلام کردند که نزدیک به ۳۵۰۰ واحد مسکونی در این منطقه صد در صد صدمه دیده و نیاز به بازسازی دارد. در لیستی که باندهای حکومتی دو سال

پیش از برآورد میزان خسارت وارده به خانه های مردم ارائه بودند، ادعا کرده بودند که هزاران واحد مسکونی خراب شده و برای بازسازی آن نیاز به میلیاردها تومان پول دارند. اینها صورت حساب تهیه کرده و ادعا کردند که هزاران خانه را بازسازی کرده اند. باندهای حکومتی، بویژه بنیاد مسکن، سپاه عاشورای رژیم بازسازی مناطق را کنترات گرفته و اینها تصمیم میگیرند کجا ها و چه مکانهایی باید بازسازی شوند.

حکومت یک هفته بعد از زلزله وعده وام بازسازی داد. در مراجعات مکرر مردم برای دریافت وام برای بازسازی خانه هایشان این ها با وقاحت تمام گفتند که ۳۵۰۰ واحد نیاز به بازسازی دارند و به آنها وام میدهند. الان بعد از دو سال میگویند که هنوز ۱۵۰۰ واحد از این ۳۵۰۰ واحد بازسازی نشده و نیاز به وام مکمل دارد.

زلزله نعمتی برای باندهای گوناگون حکومت شد تا بدینوسیله پول و امکاناتی که قرار بود برای بازسازی خانه های مردم در قالب وام به مردم داده شود را، دزدیدند. به جای بازسازی خانه های مردم اقدام به ساخت دهها مسجد، نماز خانه، قرارگاه سپاه و بسیج کردند. حکومت و دار و دسته های محلی اش در این ماجرا هر چه توانستند دزدیدند، و دم و دستگاه خودشان را بازسازی کردند. آنجایی هم که قرار بود وام به مردم بدهند به تعدادی وام دادند که بعداً اعلام کردند باید وام ها بعد از یک سال بازپرداخت شود. البته با بهره بانکی و ارقام به مراتب بیشتر از میزان وام دریافتی مردم.

اظهارات فرماندار اهر در مورد بازسازی ۱۵۰۰ خانه مسکونی مردم بعد از گذشت نزدیک به دو سال از زلزله آذربایجان نشان میدهد که این حکومت کثیف فساد و دزدی و سرکیسه کردن مردم از سر و رویش بالا میرود. اینها در حالیکه هزاران نفر از مردم هنوز سرپناهی نداشته و بخشا در کانکس زندگی می کنند، نه تنها کاری برای مردم نکرده و نخواهند کرد، بلکه به دنبال بهانه و دلیلی برای ادامه کاری دزدیهایشان می باشند. ارگانهای حکومتی که

حکومت و بازسازی مناطق زلزله زده آذربایجان!

همه شبکه سازمانیافته مافیای دزدان و قاتلان مردم می باشند که امر و وظیفه شان سرکوب مردم، دزدی می باشد. برای مقابله با این وضعیتی که در مناطق زلزله زده آذربایجان هست مردم اهر، ورزقان و مناطق زلزله زده که با دهها مشکل و کمبود، بویژه نداشتن سرپناه مواجه می باشند، نباید ساکت نشسته و نظاره گر سیاستهای کثیف حکومت شوند. باید برعلیه این وضعیتی که حکومت بر مردم رنج دیده و زلزله زده تحمیل کرده، به پا خواست و خواهان بازسازی فوری واحدهای مسکونی با استانداردهای مدرن شد. هر چه این مردم داشته و دارند از صدقه سر حکومت نبوده بلکه نتیجه مستقیم مقاومت و مبارزه شان می باشد. تنها راه برای پایان دادن به بی خانمانی مردم زلزله زده، گسترش اعتراضات مردم این مناطق، و طرح خواستها و مطالبات برحق شان برای بازسازی منطقه می باشد. باید حکومت را به زور اعتراض و مبارزه وادار کرد که امر بازسازی و فراهم آوردن اولیه ترین امکانات زیستی و رفاهی را برای این مردم تهیه نماید. لازم به توضیح است که در جریان زلزله آذربایجان در روز ۲۱ مرداد ماه سال ۹۱ در منطقه ورزقان و اهر بیش از ۳۰۰ نفر کشته، هزاران نفر زخمی، هزاران واحد مسکونی ویران و دهها هزار نفر آواره شدند.

مشغول بازسازی در این مناطق می باشند، باندهای مافیای دزدان و قاتلان مردم می باشند که در کنار رنج و درد مردم، بی امکاناتی و نداشتن خانه و امکانات زیستی، فقط و فقط یک کار کرده اند و می کنند و آن سازماندهی دزدیهای بازهم بیشتر به هر بهانه ای.

مردم خانه، آب آشامیدنی، درمانگاه، مدرسه ندارند. راهها و جاده های دهها روستا هنوز غیر قابل استفاده است، دهها روستا را به بهانه ویرانی صدر در صدی منطقه خطر و ممنوعه اعلام کرده و مردمانشان را مجبور به کوچ اجباری کرده اند. در یک چنین وضعیتی هر هفته باندها و دار و دسته های حکومتی برای افتتاح مساجد، تکایا، نمازخانه، افتتاح ساختمانهای دولتی و نظامی، نمایشگاههای جهل و خرافه مذهبی با عنوان نمایشگاه قرآن و کرامت و... به منطقه سفر می کنند. هزینه هایی که صرف این موارد شده و میشود هیچ موقع کمبود بودجه ای نداشته است. در کنار این بخش اعظم مبلغی که قرار بود مثلا صرف بازسازی واحدهای مسکونی مردم شود، صرف هزینه های دیگری که برای حکومت الویت دارد، شده است. بعد از دو سال هنوز ۱۵۰۰ واحد مسکونی بازسازی نشده است. مسئولان محلی رژیم در آذربایجان، دوایر دولتی، ارگانهای سرکوبگر نظامی بسیج و سپاه همه و

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

اعتراض مردم مشکین شهر به وضعیت نامناسب معابر شهری

مردم اقدام به اعتراض دوباره به این وضعیت کرده اند. این بی توجهی شهرداری در حالی صورت میگیرد که مردم عوارض مربوطه را نیز پرداخت کرده و شهرداری کاری برای مردم انجام نداده است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از مبارزه و اعتراض مردم برای وادار کردن شهرداری به اسفالت کردن خیابان محل زندگی شان و تامین امکانات بهداشتی و زیستی، از مردم مشکین شهر میخواهد که با حمایت از این اعتراض بحق شهروندان شهرداری این شهر را وادار کنند که نسبت به عملی شدن خواستهای بحق شان اقدام نماید. داشتن محیط زیست مناسب و انسانی حق همه شهروندان است و برای تحقق آن چاره ای جز مبارزه در مقابل مردم نیست.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

مردم یکی از خیابانهای مشکین شهر در اعتراض به شهرداری مبنی بر عدم آسفالت ریزی و نبود امکانات رفاهی دیگر دست به اعتصاب و اعتراض زدند.

بنابر گزارش منتشر شده در یک سایت حکومتی در مشکین شهر مردم این شهر نسبت به بی توجهی شهرداری به مشکلات معابر، عدم آسفالت ریزی و رها کردن کوچه و خیابانها به حالت نیمه تمام، و نبود امکانات رفاهی از جمله بهداشتی و زیستی، اقدام به چیدن سنگ در سطح خیابانی که بدون روکش آسفالت به حال خود رها شده کرده تا بدین وسیله جلوی تردد ماشین ها که مشکلات زیستی برای مردم دارند، دست به اعتراض زدند.

لازم به ذکر است که در چند شب گذشته نیز این اعتراض ها ادامه داشته که با اقدام عوامل نیروی انتظامی، این محل پاکسازی شده بود و مسئولان نیز قول هایی داده بودند که به نتیجه نرسیده است لذا

ترجمه و تنظیم: فراز آزادی

نظرات بینندگان برنامه ترکی تلویزیون کانال جدید

موضوع برنامه: نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

۱- بیننده ای بنام آرش از آذربایجان تماس گرفته و میگوید:

میخواستم در رابطه با موضوع برنامه تان نظرم را بگویم. من به برنامه آقای اصغر کریمی زنگ زدم و نشد که بحث ام را ارائه دهم! بحث ما باید یا سیاست باشد و یا واقعیت! آقای کریمی عنوان کرد که ما میخواهیم مردم عرب زبان جنوب ایران را با خودمان متحد کنیم، در این رابطه من نظری دارم که اگر اشتباه است، مرا راهنمایی کنید! در جنگ ایران و عراق که حتما شما هم بخاطر دارید، سندی هست، که حرف من نیست که از خودم در آورده باشم و غیره! وقتی ارتش عراق وارد ایران شد، در مناطق عرب زبان جنوب غربی ایران، عربها در برابر ارتش عراق، گوسفند قربانی میکردند! گفتند از قوم خودمان هستند! خوشحال بودند و میگفتند که اینها هم عرب هستند! این عربها به استقبال سربازان عراقی رفتند! به نظر شما ما میتوانیم با اینها متحد شویم؟ در مقابل این عمل عربهای ایران، ارتش عراق میدانید چه جنایتهایی انجام داد! به زن و دختر بچه های همینها هم رحم نکردند! دست به جنایتهایی زدند که وجدان بشری از شنیدن اش بردرد میاد. وقتی یک عرب دل اش با ما نیست، چطور میشود با ما متحد شود؟ اگر من اشتباه میگویم شما مرا راهنمایی کنید! اینرا هم به عنوان مثال عرض کنم که وقتی من در کنار یک کرد و یا فارس زندگی میکنم، چطور میشود که اگر موقعیتی بدست بیارم بگویم آذربایجان باید از ایران جدا شود؟ البته بعضی دیدگاههای فردی هم هست که اینطوری فکر نمیکنند! در همین آذربایجان هم برخی ها هستند که پان ترکیست دو آتشه هستند و میگویند آذربایجان باید از ایران جدا شود! من در مقابل این آدمها میگویم که در این مملکت هر کسی با هر موقعیتی در کنار من زندگی میکند، هموطن من هست، یک انسان هست درست مثل من! برای من انسان و انسانیت مهم است و بس! اما یک عرب را بطور واقعی نمیشود متحد کرد، من میخواهم اینطوری شود، ولی واقعا نمیشود! نمیدانم قبول میکنید یا نه؟ کسی که در مقابل ارتش عراق شادی و پایکوبی میکند و برایش قربانی میکند، چطور میشود با او متحد شد، اصلا ایا امکانپذیر است؟ آقای کریمی میگفت که میشود! ممکن است در توان ایشان باشد! لطفا مرا راهنمایی کنید. اگر من اشتباه میکنم توضیح دهید که واقعا خوشحال میشوم. در مقابل تمامی بحثهای این بیننده مدام محسن ابراهیمی مجری برنامه توضیحاتی ارائه میداد.

آرش دوباره تماس گرفت و با توجه به جواب هائی که مجری داده بود چنین گفت: من تماس گرفتم که نکاتی را اضافه کنم. واقعیتش میخواهم از بحثمان یک نتیجه ای بگیرم و قانع شوم. قصد و غرض

خاصی هم ندارم. من اصلا با عربها کار ندارم! به عنوان نمونه من خودم را مثال بزنم، یه نکته ای که هست اینه که من در ذهنیت ام یک نفرتی نسبت به عربها دارم که خواهش میکنم در این رابطه نیز مرا راهنمایی کنید و برابم توضیح دهید! در تاریخ اسلام از همان بدو پیدایش اش، رهبران این دین، عمر، عثمان، ابوبکر، علی، حسن و حسین و همه امامانشان، از وقتی آمده اند، جنایت کرده اند و تا امروز هم تینطوری هست. حتی در دوره حاضر هم، با وجود اینهمه پیشرفت و تکنولوژی، رژیم میماند جمهوری اسلامی را بوجود آورده اند، داعش، القاعده، طالبان، عربستان را بوجود آورده اند که با شمشیر سر میزند! چطور میشود که با این عربها، با این دین و کتابشان و با این افکارشان در کنار هم قرار بگیریم! من واقعا نفرت پیدا کرده ام به همه اینها!

محسن ابراهیمی توضیحاتی در جواب به دیدگاههای آرش ارائه

میدهد و میگوید که در رژیم جمهوری اسلامی تعدادی ترک و فارس و لر و غیره هستند که در مقام تصمیم گیری بر اساس قوانین اسلامی جنایت میکنند و خون مردم را در شیشه کرده اند، ما چرا نباید از اسلام متنفر باشیم و نه از مردم عرب زبان؟ ما نباید بخاطر اینکه مشتی آیت الله دزد و میلیاردر و جنایتکار ترک و فارس و لر و عرب در راس امور این مملکت هستند، از مردمی که بزبانهای مختلف حرف میزنند، نفرت داشته باشیم! اینها همه ما را، من را، شما را، سرکوب کرده اند، ما باید اینطوری نگاه کنیم که انسانیت را اینها له کرده اند و ما باید از اسلام نفرت داشته باشیم و نه از مردم زبانهای مختلف!

آرش یکبار دیگر تماس گرفت و گفت که آقای ابراهیمی خیلی ممنون از توضیحاتتان! من جواب خیلی از سوالاتم را گرفتم و تا حدود زیادی جواب ها قانع کننده بود. امیدوارم که بازهم در برنامه های شما شرکت کنم. سوالات من سوالات ذهن خیلی از جوانها هست. من یک جوان ۲۵ ساله هستم که دوست دارم نگاه درستی به موضوعات اجتماعی داشته باشم. تشکر میکنم از اینکه در برنامه به بحث من پرداختید. این کمک میکند که نظر خیلی ها عوض شود!

۲- بیننده ای از مغان تماس گرفته و در رابطه با موضوع برنامه

چنین میگوید:

بنظر من میتواند قوم و ملیت ومذهب باشد، ولی نباید در حکومت



نظرات بینندگان برنامه ترکی تلویزیون کانال جدید

ناسیونالیستهای آذری و ارمنی (که در حکومت هستند)، سر مسئله قاراباغ مردم را بجان هم انداختند و دیدیم چه بلائی سر مردم آمد و چند هزار نفر از هردو طرف دعوا در جنگ کشته و تلف شدند! در ایران هم مردم ترک و کرد و و فارس و لر و عرب در کنار هم زندگی میکنند، باهم دوست هستند و قوم و خویش هستند و آشنا، اگر دست ناسیونالیستها باشد بجان هم بیافتند و وارد یک جنگ جنایتکارانه بشوند! مانند سوریه و عراق. منظورم اینه که مردم ما باید آگاه باشند که این نوع جنگ های قومی - قبیله ای و مذهبی ما را هم بجان هم نیاندازد! البته به نظر من مردم ایران خیلی آگاه هستند ولی مهمه که وضعیت را درست تشخیص بدهیم و هوشیار باشیم! من خیلی امیدوارم که همه مردم در کنار هم زندگی خوبی را برای خودشان بسازند ولی ناسیونالیستها تلاش خواهند کرد که اتحاد مردم از بین برود و در این میان کشورهای غربی دخالت خواهند کرد. آنها دوست دارند که هر کدام از قومیتها، ترکها، لرها، عربها، فارسها هر کدام به جهتی برود و ایران را تکه پاره کنند و براحتی مورد سو استفاده قرار دهند!

من یکی از بینندگان دائمی برنامه های شما هستم و معتقدم که ملت ایران آگاه و بیدار است و میتواند با اتکا به برنامه های خوب شما و نگرش علمی نتیجه خوبی بگیرد. موفق باشید و تشکر از برنامه خوبتان!

فراز آزادی - ۵ جولای ۲۰۱۴

دخالت داشته باشد! برای اینکه در جامعه ایران، هم سنی هست، هم شیعه هست، هم بهائی هم یهودی! در کنار آنها آته ایست هم باید آزاد باشد، خلاصه اینکه هر قومیتی و هر ملتی هم باید بتواند بزبان مادری اش صحبت کند، بخواند و بنویسد، ولی در حکومت نباید نقش داشته باشند، هیچ مذهب و ملیت و نژادی در حکومت نباید نقش داشته و اینها نباید سرلوحه قوانین قرار داده شود و برای مردم تعیین تکلیف کند! چرا که اگر دخالت داده شوند، آنوقت شرایط عراق بوجود میاید که میبینیم! داعش از یکطرف، شیعه ها از طرف دیگر بجان مردم میافتند که داریم به عینه میبینیم. دعوی ارمنی و مسلمان بوجود میاید و غیره! آنوقت دیگه جلوی جنایت را نمیشود گرفت! میخواستیم نکته ای هم در رابطه با دوستی که تماس گرفته بود و میگفت که از عربها نفرت دارد، بگویم و آن اینست که: اگر شما مثلا در عربستان دنیا آمده بودید یا در یکی از کشورهای عربی، آنوقت بازهم از عربها متنفر میشدی؟

ما بعد از اینکه دنیا میائیم، هویت قومی و مذهبی مان را مشخص میکنند! و یا اگر در انگلیس دنیا میامدی، بازهم این بحث را میکردی؟ بازهم میگفتی که من از عربها متنفرم؟ این نوع تفکرات را حکومتهای جنایتکار بوجود میاورد، نفرت قومی و مذهبی را تبلیغ میکنند و دامن میزنند! به نظر من مذهب نباید در حکومت و آموزش و پرورش نقش داشته باشد ولی زبان مادری میتواند تدریس شود. آموزش و پرورش باید مبنایش علم باشد و دین و مذهب را نباید اجازه داد که نقش ایفا کند! اگر به مذهب اجازه بدهیم که در آموزش و پرورش دخالت کند، همین الان نتیجه اش را میبینیم و این بلا سرمان میاید که شاهدش هستیم! اگر برای روزهای آینده فکر میکنیم میتوانیم آذربایجان و ارمنستان را نگاه کنیم، منظورم جمهوری آذربایجان است، که مردم دو کشور بعد از سالها زندگی در صلح و آرامش در کنار هم،

با نشریه سهند همکاری کنید!



مشخصات ماهواره هات برد:
فرکانس ۱۱۲۰۰ - اف ای سی ۶ / ۵ عمودی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

تلویزیون کانال جدید در سایت
GLWIZ زیر اسم NEGAH E
SHOMA نیز قابل مشاهده است.
WWW.GLWIZ.COM

برنامه مستقیم کانال جدید به زبان ترکی

تهیه کننده و مجری: محسن ابراهیمی

هر هفته شنبه ها

۹ تا ۱۱ شب تهران ۶:۳۰ تا ۸:۳۰ اروپای مرکزی